

بررسی تطبیقی نگرش دو نسل نسبت به تشکیل خانواده (مطالعه موردی پسران ۲۰ تا ۳۰ ساله شهر شوشتر و پدرانشان)

یوسف امینی^{۱*}، مصطفی محمودی^۲، محمد امینی^۳

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

۲- پژوهشگر مسائل جمعیتی - اجتماعی و مدرس دانشگاه

۳- دانشجوی دکتری مشاوره و مدرس دانشگاه

چکیده

موضوع این تحقیق، بررسی تطبیقی طرز تلقی پدران و پسرانشان از تشکیل خانواده (ازدواج و فرزندآوری) است. این تحقیق از روش پیمایش بهره گرفته و از نوع مقایسه گروه‌ها است. جمعیت آماری پسران ۲۰ تا ۳۰ ساله شهر شوشتر و پدرانشان هستند. حجم نمونه معادل ۲۸۰ نفر (۱۴۰ نفر پسر و ۱۴۰ نفر پدرانشان) محاسبه گردید. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است و تکنیک گردآوری اطلاعات، پرسشنامه همراه با مصاحبه است. پس از مرور ادبیات تحقیق بر پایه نظریه‌های ازدواج، دیدگاه‌های شکاف نسلی و نگرش‌ها و به کمک یافته‌های تحقیقات پیشین، سؤالات تحقیق در قالب فرضیه قرار گرفت. یافته‌های تحقیق در دو سطح توصیفی و استنباطی بررسی شده‌اند. داده‌ها حکایت از بالا رفتن سن ازدواج دو جنس دارند. در همه سطوح، میان نظر پدران و پسران در مورد سن ازدواج تفاوت معناداری وجود داشت. بین نظر پسران در مورد سن مناسب ازدواج با قومیت و میزان گرایش دینی، اختلاف معنی‌داری وجود

داشت. این تفاوت در گروه پدران نیز مشاهده گردید. میانگین فرزند مطلوب هم از نظر پدران و هم از نظر پسران تقریباً دو فرزند بود در حالیکه میانگین تعداد فرزند پدران حدود ۴ فرزند است. هر دو گروه بر عدم ادامه باروری در صورت دختر بودن فرزند اول به یک اندازه توافق نظر دارند ولی در میان کسانی که با ادامه باروری موافقت، پدران با تعداد بالاتری موافقت نشان داده‌اند. هم پدران و هم پسران در خصوص ترکیب جنسی فرزندان در تعداد بیش از دو فرزند بر ترکیب غالب پسر تأکید دارند. در خصوص همسان همسری در زمینه مذهبی و قومی، پدران علاقه بیشتری نشان داده‌اند. در سایر موارد، اختلاف اندکی میان دو گروه وجود دارد. در خصوص نحوه انتخاب همسر، پسران مایلند ابتدا خود همسرشان را انتخاب کرده سپس با والدین مشورت نمایند، در حالیکه نظر پدران این است که همسر آینده فرزندان را آنها باید انتخاب کنند و فرزندان نشان فقط حق اظهار نظر دارند. به لحاظ ملاک‌های انتخاب همسر، سه اولویت پسران، تحصیلات، تفاهم و اشتغال بود در حالیکه پدران، دینداری، محجب بودن و خانواده اصیل داشتن را در اولویت قرار دادند.

واژه‌های کلیدی: نگرش نسلی به تشکیل خانواده، معیارهای انتخاب همسر، نحوه انتخاب همسر، همسان همسری.

مقدمه و بیان مسأله

در بین تمامی نهادها، سازمان‌ها و تأسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی خاص و بسزایی دارد. تمامی آنان که در باب سازمان جامعه اندیشیده‌اند، بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید ورزیده‌اند. "آلن ژیراد"^۱، در باب همین اهمیت در اثرش گزینش همسر در فرانسه معاصر می‌نویسد: "در بین تمامی مراسم‌ها، آداب و حوادث اساسی حیات انسانی، ازدواج از اهمیتی به سزا برخوردار است. هم از نظر گاه فرد، هم از دیدگاه زیستی و هم از منظر اجتماعی، هیچ نهادی نیست که همانند آن جهانی و از نظر غایت ثابت و پایدار باشد. از این رو هیچ نهادی همانند آن تحت تأثیر و دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد" (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۱۱). اگرچه قدمت خانواده به پیدایش انسان می‌رسد، اما کارکرد اساسی خانواده یعنی

ادامه نسل انسان، بوسیله ازدواج تأمین می‌گردد. با توجه به اینکه ازدواج مقدمه تشکیل خانواده است بنابراین نهاد ازدواج مقدم بر خانواده خواهد بود (مهدوی، ۱۳۷۷: ۲).

بدون تردید ازدواج یکی از مهمترین پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه است. به دنبال تحول دیگر حوزه‌های زندگی اجتماعی این پدیده نیز تغییراتی را به خود دیده و خود موجب تغییرات اساسی در خانواده گردیده و منجر به پیدایش خانواده‌های تازه‌ای شده است. در برهه کنونی آینده خانواده، دوام و یا فروپاشی آن، همواره از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان بوده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳؛ برناردز، ۱۳۸۴؛ بهنام، ۱۳۸۳؛ مهدوی، ۱۳۷۷؛ سرایی، ۱۳۸۵). به نظر می‌رسد، تحولات و دگرگونی‌های فراوانی که به مرور تقریباً در تمامی ابعاد خانواده به ویژه در کشورهای صنعتی به وجود آمده است، از مهم‌ترین دلایل این نگرانی‌ها باشد. دامنه این تغییرات به حدی زیاد است که برخی از زوال خانواده صحبت می‌کنند و برخی جهت ارائه چارچوبی برای مطالعه آن، اصطلاح "گذار جمعیتی دوم" (ون دکا، ۱۹۸۷؛ لسخاف، ۱۹۸۳) را به کار می‌برند. تغییر و تحولات اجتماعی در جهان معاصر امری مسلم و غیرقابل انکار است. بسیاری از نهادهای اجتماعی از جمله اقتصاد، سیاست و آموزش و پرورش در شبکه تغییر و تحولات اجتماعی، دگرگونی‌های خاصی را به خود دیده و اغلب به عنوان یک سیستم پویا در مسیرهای پیچیده تغییر و تحولات واقع می‌شوند، بدیهی است که در این میان تشکیل خانواده و الگوهای فرزندآوری از گردونه تغییر و تحولات به دور نخواهند بود. مطالعات مختلفی نشان‌دهنده تحول این حوزه‌ها در جوامع غربی هستند (کیم، ۱۹۹۹؛ پرستون، ۲۰۰۱). برای نمونه از اوایل دهه ۶۰ رابطه سنتی ازدواج ← رابطه جنسی ← فرزندآوری به هم ریخته شد. (سرایی، ۱۳۸۵: ۴۰)، عمومیت ازدواج در سال ۱۹۶۶ در سوئد و دانمارک پائین آمد و دهه ۷۰ رفته رفته شمال تا جنوب اروپا را دربرگرفت و کشورهای غربی آن سوی اقیانوس را نیز بی‌نصیب نگذاشت. و سرانجام همراه با سقوط نسبت ازدواج یا در کنار آن، افزایش تولدهای بیرون از ازدواج روی می‌دهد که تعداد آن پیش‌تر همه جا رو به کاهش بود، اما امروزه در بسیاری از کشورها افزایش یافته است (بهنام، ۱۳۸۳: ۹۵-۹۴). بنابراین، با وجودی که دامنه هر یک از این تحولات در مناطق مختلف کمابیش گسترش می‌یابد، به نظر می‌رسد که تمام کشورهای غربی درگیر دگرگونی‌های ژرف

خانوادگی شده‌اند. این دگرگونی‌ها، که هم به شکل‌گیری خانواده‌ها و هم بر ثبات آنها تأثیر گذاشته‌اند به گسترش شکل‌های خانوادگی و وضعیت‌هایی انجامیده‌اند که تاکنون نامرسوم به حساب می‌آمدند، زوج‌های هم‌خانه ازدواج نکرده، زوج‌های بی‌فرزند، و اشخاصی که به تنهایی زندگی می‌کنند (بهنام، ۱۳۸۳: ۹۵-۹۴).

در عصر جدید که سخن از دهکده جهانی و جامعه اطلاعاتی می‌رود. تحولات ایجاد شده در ساختار خانواده غربی و فرآیند تشکیل خانواده (ازدواج و فرزندآوری) در این کشورها، در کنار تحولات داخلی و گذار جامعه از غلبه فرهنگ سنتی به شرایط فرهنگی مدرن، الگوها و هنجارها و نگرش‌های سنتی، تشکیل خانواده ایرانی را همانند دیگر مفاهیم و قواعد اجتماعی در معرض تغییر قرار داده است. در چنین شرایطی غالباً، جوانان خود را در شرایطی می‌یابند که ناچارند بسیاری از هنجارهای فراگرفته در مراحل اولیه جامعه پذیریشان را مورد بازنگری، انتقاد و گاه حذف قرار داده و خود به دنبال رویه‌های جدید و متفاوت با آنچه در گذشته رایج و مرسوم بوده است، باشند.

نتایج سرشماری‌ها نشان‌دهنده، تغییرات کلی در دو خصیصه اصلی ازدواج ایرانی یعنی زودرسی و عمومیت آن است. براساس سرشماری ۱۳۷۵ نزدیک به ۵۰ درصد مردان واقع در سن قانونی ازدواج هنوز ازدواج نکرده و ۴۰ درصد زنان زندگی زناشویی را آغاز نکرده‌اند. سن متوسط ازدواج نیز همزمان با این تنزل ازدواج مردان و زنان رو به افزایش است، بطوری که: بر سن متوسط ازدواج مردان و زنان پس از انقلاب ۱۳۵۷ به ترتیب ۲ سال و ۲/۶ سال افزوده شده و در سرشماری ۱۳۷۵ این سن متوسط برای مردان ۲۵/۶ سال و برای زنان ۲۲/۴ سال محاسبه گردیده است. این تغییرات در ازدواج می‌تواند تعداد مولید را کاهش دهد (امانی، ۱۳۸۰: ۳۴). از سوی دیگر تحقیقات مختلف در حوزه باروری نشان می‌دهد، در کنار تغییرات سطح باروری رویکرد نسل جوان به فرزندآوری با الگوهای گذشته مغایر است.

با توجه به آنچه گفته شد این پژوهش در پی آن است تا بخشی از تغییرات پیش‌روی خانواده را از طریق مقایسه الگوها، دیدگاه‌ها و نگرش‌های دو نسل متفاوت (پسران ۲۰ تا ۳۰ ساله شهر شوشتر و پدران‌شان) در خصوص تشکیل خانواده (ازدواج و فرزندآوری) را بررسی کرده و به این سؤال پاسخ دهد که: در گیرودار گذار از شرایط سنتی به شرایط مدرن مفهوم

ازدواج و فرزندآوری تا چه حد و چگونه تغییر کرده است؟ چه تفاوت‌هایی میان جوانان و بزرگترهایشان در این زمینه وجود دارد؟ و نقش متغیرهای اقتصادی اجتماعی بر آن چیست؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

"در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی - در روابط جنسی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است. در خصوص اینکه ما چگونه درباره خود فکر می‌کنیم و چگونه با دیگران پیوند و رابطه برقرار می‌کنیم انقلابی در جریان است. این انقلابی است که در فرهنگ‌ها و مناطق مختلف با سرعت‌های مختلف و با تفاوت‌های بسیار در حال پیشرفت است" (گیدنز، ۱۹۹۹: ۱۰۸)، به نقل از سرایی).

در پی دگرگونی‌های اجتماعی - فرهنگی در غرب و فرآیند مدرن سازی در جهان سوم، نهاد خانواده، ازدواج و فرزندآوری تغییرات بنیادینی را تجربه کرده و یا می‌کنند. در جوامع صنعتی خانواده به سوی فروریزی ساختارها و ارزش‌هایش پیش می‌رود، شیوه‌های سنتی ازدواج کم‌رنگ شده و انواع جدیدی از همخانگی رواج یافته است. باروری کل به زیر سطح جانشینی رسیده و میزان مولید خارج از ازدواج به شدت بالا رفته است. این امر در کنار شرایط درونی نهاد خانواده در کشورهای جهان سوم از جمله ایران را به چالش کشیده است. و این سؤال را مطرح می‌کند که در برابر دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، تغییرات جمعیتی و پیشرفت‌های تکنولوژیک آتی، فرآیند تشکیل خانواده چه آینده‌ای خواهد داشت؟ لذا به نظر می‌رسد به منظور دست‌یابی به پاسخی برای پرسش فوق و پرسش‌هایی از این قبیل و نیز موارد زیر انجام این پژوهش مفید فایده باشد:

۱- ازدواج سنگ بنای تشکیل خانواده و تنها شیوه پذیرش رابطه دو جنس در شرایط فرهنگی ایران است. همچنین این پدیده از عوامل بلافصل تعیین کننده باروری به شمار می‌رود. لذا شناخت تحولات این نهاد اجتماعی و نیز ارائه تصویری از آینده آن می‌تواند چراغ راهی باشد برای ارائه الگویی از آینده باروری و رفتار جنسی نسل حاضر.

۲- رفتار باروری و فرزندآوری رفتاری است اجتماعی که براساس نگرش‌ها و ارزش‌های افراد شکل می‌گیرد. این نگرش‌های افرادند که باروری بالا را واجد ارزش و اعتبار می‌دانند و یا اهتمام به کنترل و کاهش آن می‌ورزند. پس می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای آینده باروری تحت تأثیر نگرش‌های افرادی است که در معرض این رفتار قرار می‌گیرند.

۳- داده‌های دموگرافیک حاکی از جوان بودن ساختار سنی جمعیت کشور است. از سوی دیگر یافته‌های جامعه‌شناختی فرآیند رو به رشد تحولات اجتماعی و فرهنگی را گزارش می‌کند. در چنین وضعی نسل جوان سریعتر از نسل‌های گذشته در معرض تأثیرپذیری از ارزش‌های جدید قرار می‌گیرد و با توجه به روحیات نوگرایی و ریسک‌پذیر که در جوانان مشاهده می‌شود، آمادگی بیشتری برای پذیرفتن و هماهنگی با ارزش‌ها و هنجارهای متفاوت از گذشتگان نشان می‌دهند.

۴- همچنین با توجه به شرایط و مشکلات موجود بر سر راه ازدواج از یک طرف و پدیده مضیقه ازدواج از طرف دیگر نتایج این تحقیق می‌تواند برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امر ازدواج جوانان و نیز مجریان برنامه‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده مفید فایده باشد. بنابراین، این پژوهش می‌تواند با مطالعه دو نسل تفاوت‌ها و تشابه‌های آنها را در خصوص ازدواج و فرزندآوری را به دست داده و بخشی از تغییرات پیش‌روی نهاد و خانواده‌راشناسایی نماید.

تغییر شکل خانواده

خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی همواره در حال تغییر است. عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این تغییر دخیل‌اند. عامل سواد، اشتغال زنان، بالا رفتن سن ازدواج، محدود کردن تعداد فرزندان و... به تغییرات خانواده تأثیر می‌گذارد. خانواده طی دوره‌های مختلف و در طول تاریخ همیشه در معرض تغییر بوده است. یکی از عوامل عمده تغییرات خانواده جمعیتی است؛ یعنی هرگونه کاهش یا افزایش در شاخص جمعیت خود بر کم و کیف خانواده، تعداد یا فراوانی آن تأثیر می‌گذارد. تغییرات ناشی از جمعیت در قالب ازدواج، میزان

باروری، امید زندگی و غیره منعکس است. همچنین اقتدار خانواده طی دوره‌های مختلف تغییر کرده و روابط جدید و گوناگونی را به دنبال آورده است (گیل، ۱۹۹۹:۱۵).

توسعه خانواده به صورت چرخه‌ای و سیکل‌گونه در تمامی جوامع با تفاوت‌هایی صورت گرفته است. "ترنر"، (ترنر، ۱۹۹۴:۲۳) جامعه‌شناس معروف خانواده به چهار نکته عمده در خصوص توسعه خانواده اشاره می‌نماید:

۱- آگاهی عمومی نسبت به ازدواج

۲- مراسم عروسی و ازدواج

۳- تولد یا فرزند خواندگی

۴- انحلال و گسستگی خانواده

عوامل مختلف تربیتی، آموزشی، سواد، تغییرات اجتماعی و نظایر آنها، آگاهی عمومی نسبت به ازدواج را بالا برده‌اند. در چنین شرایطی ازدواج بیشتر براساس انتخاب صورت می‌گیرد تا اجبار. همچنین به دنبال تغییرات و توسعه اجتماعی مراسم ازدواج از حالت سنتی و پایبندی به مراسم و آداب خاص در بسیاری از جوامع تغییر کرده است. نیز، امروزه فرزندآوری به طور دلخواه و تحت کنترل و نظارت زوجین صورت می‌گیرد. در مواردی حتی فرزندخواندگی به عنوان یک هنجار خانوادگی نمود یافته است. نکته دیگر اینکه گسستگی خانواده اشکال جدیدی از خانواده را به دنبال آورده است که خانواده‌های تک‌والد از آن جمله‌اند.

به هر حال، تفاوت‌هایی در شکل خانواده در نقاط مختلف جهان به چشم می‌خورد. هر چه به گذشته برگردیم، قرابت خانواده‌ها و همچنین تشابه الگوهای آنها بیشتر بوده است. امروزه بسیاری از الگوهای خانواده، الگوهای مربوط به تولید، مصرف، ازدواج، باروری و... تغییر کرده است. چگونگی این تغییرات در جوامع مختلف، متناسب با وضعیت توسعه‌یافتگی آنها متفاوت است.

در بعضی از نقاط آسیا، آفریقا یا منطقه اقیانوسیه، نظام‌های سنتی خانواده از گسترده، چندهمسری، اهمیت دادن به تبار و نظایر آن تغییر کرده است. این قبیل تغییرات، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. تغییرات پیش گفته شده تأثیر خود را بر عرصه‌های مختلف نهاد خانواده برجای گذاشته است که از آنجمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- تغییر در زمینه انتخاب همسر نیز به دنبال تغییر در الگوهای خانواده در بسیاری از جوامع ظاهر گردید. این نکته نیز قابل ذکر است که در خانواده گسترده، ازدواج مبتنی بر تصمیمات و نظرات افراد و اعضای خانواده بود، در حالی که با تضعیف خانواده گسترده، میل به انتخاب آزادهمسر افزایش یافت و قالب همسرگزینی تا حد زیادی دگرگون شده است.

۲- ازدواج‌های گذشته بیشتر مبتنی بر خویشاوندی بوده است. با تغییر در نظام اقتصادی اجتماعی و تحولات فرهنگی پدید آمده، قالب ازدواج، از ازدواج خویشاوندی به ازدواج‌های غیرخویشاوندی تبدیل شده است.

۳- در بسیاری از جوامع رو به توسعه به دنبال تغییر در نظام هنجارهای جامعه، تغییر ارزش‌ها، تغییرات فرهنگی و... محدودیت‌های بین دو جنس کاهش یافته است. این تغییر بسیاری از الگوهای رفتاری، ارزش‌های مربوط به خانواده و هنجارهای موجود در جامعه را تحت تأثیر قرار داده است.

۴- طی سال‌های اخیر کم و کیف ازدواج، شکل ازدواج، سن در اولین ازدواج، ازدواج‌های مجدد و غیره در بسیاری از جوامع متحول شده است. انواعی از ازدواج چون چند همسری در بعضی از جوامع، غیرقانونی اعلام شده است. میزان ازدواج برای هر نفر ۱۰۰۰ نفر جمعیت در انگلستان در سال ۱۹۹۳ حدود ۵/۹ اعلام شده در حالی که این میزان در سال ۱۹۸۱، ۷/۱ در هزار بوده است. میانگین سن ازدواج زنان آمریکایی در سال ۱۹۵۶ حدود ۲۰/۱ سال و برای مردان ۲۲/۵ سال برآورد گردیده است، در حالی که میانگین‌های فوق در سال ۱۹۸۸ به ۲۳/۱ سال برای زنان و ۲۵/۷ سال برای مردان افزایش یافته است. همچنین بین سال‌های ۸۶-۱۹۸۰ نسبت خانواده‌های مبتنی بر همزیستی مشترک در ایالات متحده ۳ برابر افزایش یافته است.

۵- یکی از مشخصات دیگر خانواده‌ها تغییراتی است که به دنبال روند زاد و ولد در آنها صورت می‌گیرد. میزان باروری در اکثر جوامع به شدت کاهش یافته است به طوری که امروزه در سرتاسر اروپا به زیر سطح جایگزینی رسیده است. همچنین موارد زاد و ولد خارج از قالب ازدواج در جوامع صنعتی روندی افزایش به خود گرفته است. مثلاً این شاخص در انگلستان از ۱۲٪ در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۳۰ درصد در سال ۱۹۹۲ افزایش یافته است. آمارهای مربوط به اتحادیه اروپا این میانگین را در سال ۱۹۹۲ حدود ۲۰ درصد برآورد می‌کند. ۴۰ درصد از موالید سال ۱۹۹۰ کشور دانمارک خارج از چارچوب قانونی و شرعی آن صورت گرفته است. همچنین در سال ۱۹۸۵ حدود ۷۸ درصد بچه‌های کمتر از ۱۶ ساله در انگلستان با اولیای قانونی و طبیعی خود زندگی می‌کرده‌اند، در حالی که رقم یاد شده در سال ۱۹۷۹ برابر با ۸۳ درصد برآورد شده است.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق را دیدگاه‌های مختلفی فراهم آورده است. به گونه‌ای که در حوزه ازدواج از دیدگاه‌های همسان همسری جغرافیایی، تحصیلی، اقتصادی، مذهبی و... و نظریه نیازهای مکمل استفاده شده و تئوری نهادی باروری متغیرهای مربوط به این حوزه را پوشش می‌دهد. از طرف دیگر با توجه به اینکه این تحقیق به بررسی نگرش‌های دو نسل می‌پردازد، از نظریات کارل مارکس و کارل مانهایم استفاده شده است. از نظر مارکس تولید پندارها، برداشتها و آگاهی رابطه مستقیمی با فعالیت مادی دارد در واقع مارکس تلاش کرد تا اندیشه افراد به گونه منظم به فعالیت مادی و پایگاه اقتصادی و طبقاتی مرتبط سازد.

ضمن اینکه کارل مانهایم همچون مارکس به نقش متغیرهای اقتصادی-اجتماعی در تکوین و شکل دهی نگرش‌ها اهمیت ویژه‌ای قائل است. او معتقد بود، واقعیت تعلق داشتن به یک طبقه، یک نسل و یا یک گروه سنی به افراد مربوط به این مقولات، موقعیت مشترکی در فرآیند تاریخی و اجتماعی می‌دهد (کوزر، ۱۳۷۳: ۵۶۹).

لذا نقش متغیرهای پایگاه اقتصادی، اجتماعی و میزان مذهبی بودن بر نگرش نسبت به تشکیل خانواده از نظریات مارکس و مانهایم گرفته شده‌اند. همچنین این تحقیق از

دیدگاه‌های مربوط به ارزشها و شکاف نسلی بهره گرفته است. لذا از منظر تئوری ارزشها و جهت گیری ارزشی به ضرورت و اهمیت ازدواج و فرزندآوری از نظر پاسخگویان پرداخته ایم و با توجه به نظریه تعارض ارزشی والدین، نظریه شکاف نسلی اینگهارت، کارمانهایم، مید و بوردیو به مقایسه دو نسل مورد مطالعه در ارتباط با موضوع مورد بررسی پرداخته ایم.

فرضیه‌های تحقیق

بین طرز تلقی پدران و پسران از سن مطلوب ازدواج دختر و پسر و پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده آنها رابطه وجود دارد. انتظار می‌رود افرادی که از پایگاه پایین تری برخوردارند سنین کمتری را برای ازدواج مناسب بدانند.

بین طرز تلقی پدران و پسران از سن مطلوب ازدواج دختر و پسر و میزان گرایش دینی آنها رابطه وجود دارد. انتظار می‌رود افرادی که از گرایش دینی بالایی برخوردارند سنین کمتری را برای ازدواج مناسب بدانند.

بین طرز تلقی پدران و پسران از سن مطلوب ازدواج دختر و پسر و میزان بهره‌مندی آنها از رسانه رابطه وجود دارد. انتظار می‌رود افرادی که از میزان بهره‌مندی بالایی از رسانه برخوردارند سنین بالاتری را برای ازدواج مناسب بدانند.

بین طرز تلقی پدران و پسران از سن مطلوب ازدواج دختر و پسر و قومیت آنها رابطه وجود دارد. انتظار می‌رود که میان اقوام مختلف در این زمینه اختلاف وجود داشته باشد.

بین طرز تلقی پسران از سن مطلوب ازدواج دختر و پسر و رشته تحصیلی آنها رابطه وجود دارد. انتظار می‌رود که میان رشته‌های تحصیلی مختلف در این زمینه اختلاف وجود داشته باشد.

بین سن مناسب ازدواج از نظر پدران و پسران اختلاف وجود دارد. انتظار می‌رود پدران سنین پایین تری را برای ازدواج مناسب بدانند.

بین طرز تلقی پدران و پسرانشان در مورد همسان همسری تفاون وجود دارد. انتظار می‌رود تمایل پدران نسبت به همسان بودن همسر آینده پسرانشان با خود آنها بیشتر از پسران باشد.

بین طرز تلقی پدران و پسران از نحوه انتخاب همسر آینده پسر تفاوت وجود دارد. بدین معنی که پدران تمایل دارند که همسر آینده پسر را والدین باید انتخاب کنند. بین طرز تلقی پدران و پسران در مورد ملاک‌های همسر ایده آل تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

بین فاصله سال‌های ازدواج تا تولد اولین فرزند از نظر پدران و پسران اختلاف وجود دارد. انتظار می‌رود پدران فاصله کمتری میان ازدواج تا تولد اولین فرزند را بپسندند. بین میانگین تعداد فرزند ایده آل برای یک زوج از نظر پدران و پسران اختلاف وجود دارد. انتظار می‌رود پدران تعداد فرزند بیشتری را ایده آل بدانند.

بین میانگین تعداد فرزند ایده آل پسران از نظر پدران و پسران اختلاف وجود دارد. انتظار می‌رود پدران تعداد فرزند بیشتری را ایده آل بدانند.

بین میانگین تعداد فرزند پسر ایده آل پسران و تعداد فرزند پدران اختلاف وجود دارد. انتظار می‌رود پدران تعداد فرزند بیشتری را دارا باشند.

بین میانگین تعداد فرزند دختر ایده آل پسران و تعداد فرزند پدران اختلاف وجود دارد. انتظار می‌رود پدران تعداد فرزند بیشتری را دارا باشند.

بین میانگین تمایل به ادامه باروری در صورت دختر بودن فرزند اول از نظر پسران و پدران اختلاف وجود دارد. انتظار می‌رود پدران تمایل بیشتری به ادامه باروری را دارا باشند.

روش تحقیق

هر تحقیقی با توجه به ویژگی‌ها و متناسب با مقتضیاتش روش خاصی را می‌طلبد. این پژوهش از نوع مقایسه‌ای و مبتنی بر روش زمینه‌یابی یا پیمایش است. جمعیت آماری این پژوهش شامل دو گروه پدران و پسرانشان است. جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله بومی شهر شوشتر گروه پسران را تشکیل می‌دهند و به طبع گروه پدران شامل پدران این افراد است. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ این افراد مجموعاً ۱۱۹۶۶ نفر بوده‌اند. حجم نمونه این تحقیق با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه معادل ۲۸۰ نفر آمورد شد این نمونه شامل ۱۴۰ پسر و بالطبع بع همان تعداد پدرانشان بوده است.

داده‌های مورد نیاز این تحقیق از طریق "مصاحبه ساختارمند" جمع‌آوری شده است. بدین معنی که سوالات در قالب پرسشنامه در اختیار افراد مورد مطالعه قرار گرفت. با توجه به اینکه این تحقیق از نوع مقایسه گروه‌ها می‌باشد از دو پرسشنامه مخصوص پدران و پسران استفاده شد. پرسشنامه‌های فوق از نظر سوالات یکسان بوده‌اند و هر کدام در پاکتی جداگانه قرار داده شده و بوسیله پرسشگرها در محل سکونت پاسخگویان به آنها تحویل شده و پس از مدتی پرسشگر با مراجعه مجدد، پرسشنامه‌های تکمیل شده را دریافت نموده‌است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این مطالعه در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار می‌گیرند. تحلیل توصیفی داده‌ها مشتمل بر دو قسمت است:

الف) توصیف داده‌های مربوط به ازدواج

ب) توصیف داده‌های مربوط به فرزندآوری

در تحلیل استنباطی فرضیات پژوهش در مورد همه ابعاد متغیرهای وابسته (ازدواج و فرزندآوری) آزمون می‌شود. در تحلیل داده‌های کمی از آزمون‌های، تحلیل واریانس یکراه، آزمون من وایتنی و شاخص اختلاف درصدی و اختلاف نسبی استفاده می‌شود.

توصیف متغیرهای مربوط به ازدواج

متغیرهای مربوط به ازدواج شامل: سن مناسب ازدواج پسر و دختر، سن ازدواج پاسخگو، همسان همسری، نحوه انتخاب همسر و ملاک‌های همسر ایده‌آل است که به آنها اشاره می‌شود. میانگین سن مناسب ازدواج پسر را از نظر پدران و پسران نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج پسر از نظر پدران ۲۴/۷ سالگی است در حالیکه پسران این سن را ۲۶/۳ می‌دانند. حداقل سن ازدواج از نظر پدران و پسران ۱۷ سالگی است، در حالیکه پدران حداکثر سن را ۳۰ سالگی و پسران ۳۳ سالگی می‌دانند. بررسی میانگین سن مناسب ازدواج دختر از نظر دو گروه مورد مطالعه نشان می‌دهد پدران میانگین سن ازدواج دختر را ۱۹/۷ سالگی و پسران این سن را ۲۲/۲

سالگی می‌دانند. حداقل سن مناسب ازدواج از نظر پدران ۱۴ سالگی و حداکثر آن ۲۷ سالگی است. همچنین میانگین سن ازدواج پدران ۲۱/۹ سالگی، حداقل آن ۱۴ سالگی و حداکثر آن ۳۰ سالگی است. در حالیکه پسران میانگین سن ازدواج خود را ۲۷/۱ سالگی حداقل آنرا ۱۷ سالگی و حداکثر را ۳۵ سالگی اعلام نمودند. بر پایه داده‌ها ۰/۷ درصد از پدران در سن ۱۴-۱۰ سالگی ازدواج کرده‌اند. در حالیکه هیچ کدام از پسران تمایل نداشته‌اند در این سن ازدواج نمایند. همچنین ۷۵/۶ درصد پدران در فاصله سنی ۲۴-۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند. رقم متناظر برای پسران ۱۶/۷ درصد است. بیشترین فراوانی پسران مربوط به گروه سنی ۲۵-۲۹ سالگی با ۴۷/۸ درصد است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پسران سن ازدواج خود را کمی بیش از یک گروه سنی ازدواج پدرانشان می‌دانند. به عبارت دیگر پسران به بالا رفتن سن ازدواج تمایل نشان داده و آنرا پذیرفته‌اند. به گونه‌ای که ۴/۳ درصد از پاسخگویان پسرتمایل دارند در سن ۳۵ سالگی و بالاتر ازدواج نمایند. در حالیکه بالاترین سن ازدواج پدران ۳۴-۳۰ سالگی با فراوانی ۱/۵ درصد بوده است. براساس داده‌ها ۵۰ درصد از پسران و ۴۰/۷ درصد پدران گفته‌اند که تحصیلات زوجین باید هم سطح باشد. از طرف دیگر ۲۸/۶ درصد پسران گفته‌اند سطح تحصیلات، برایشان مهم نیست (فرقی نمی‌کند) و ۱۷/۱ درصد آنها تمایل دارند تحصیلات همسر پائین تر باشد. ارقام متناظر برای پدران به ترتیب ۲۵ درصد و ۱۸/۶ درصد است. تمایل به بالاتر بودن تحصیلات همسر در میان پدران و پسران به ترتیب ۴/۳ درصد و ۱۵/۷ درصد است. یافته‌های تحقیق در مورد اهمیت پایگاه اقتصادی خانواده زن نسبت به مرد «همسان همسری اقتصادی» را اینگونه می‌توان ارزیابی نمود، ۶۵٪ پسران و ۶۱/۴٪ پدران بر این نظرند که پایگاه اقتصادی خانواده زن نسبت به مرد باید بالاتر باشد ۱۹/۳٪ پدران و ۲۲/۱٪ پسران گزینه «فرقی نمی‌کند» را انتخاب نموده و ۱۰٪ پسران می‌خواهند همسر آینده‌شان از نظر پایگاه اقتصادی همسطح ایشان باشد که ۷/۱ پدران نیز بر این باورند. داده‌ها اینگونه بیان می‌کند که ۳۹/۳ درصد پسران و ۳۸/۶ درصد پدران تمایل به هم قوم بودن همسر آینده دارند، و ۶۰/۷ درصد پسران در مقابل ۶۱/۴ درصد پدران گفته‌اند قومیت همسر آینده برایشان فرقی ندارد.

بررسی نگرش افراد نسبت به همسان همسری مذهبی ۵۸/۶ درصد پسران و ۶۵/۷ درصد پدران تأکیدشان به هم مذهب بودن زوجین است و ۲۲/۱ درصد پسران و ۱۴/۳ پدران هم مذهب بودن

برایشان فرقی نمی‌کند. و ۱۹/۳ درصد پسران تمایل به گزینه فقط هم دین بودن و ۲۰٪ پدران نیز این گزینه را انتخاب نمودند. نحوه انتخاب همسر یکی از مقولات مهم همسرگزینی است که بسته به شرایط جامعه اشکال مختلف به خود می‌گیرد. در قالب پرسشنامه تحقیق از دو گروه مورد پژوهش خواسته شد تا نحوه انتخاب همسر پسر را اعلام نمایند. نتایج این آیتم نشان می‌دهد که پسران بیشتر تمایل دارند ابتدا همسر آینده‌شان را انتخاب کرده و سپس با والدین مشاورت نمایند. (۵۹/۳ درصد) در حالیکه بیشترین تمایل پدران مربوط به گزینه انتخاب از طریق والدین و سپس مشورت با فرزند (۵۳/۶ درصد) است. در خصوص یکی از ملاکهای همسرگزینی که تحصیلات همسر آینده است، اینگونه استنباط می‌گردد که ۳۵٪ پسران و همان نسبت از پدران تحصیلات همسر آینده پسر را مهم ارزیابی می‌نمایند و ۳۴/۳ درصد پسران در مقابل ۳۲/۹ پدران آن را مهم و برای ۲۱/۴ درصد پسران و ۱۵/۷ درصد پدران تا حدی مهم است. نسبت کم اهمیت بودن تحصیلات همسر آینده برای پسران ۶/۴ درصد و برای پدران ۱۱/۴ است. و نهایتاً توزیع پدران و پسران در گزینه کاملاً کم اهمیت بودن تحصیلات همسر به ترتیب ۲/۹ درصد و ۵ درصد است.

توانایی در انجام کارهای منزل از دیگر ویژگی‌های همسر ایدآل است که از دیر باز مورد توجه بوده است، بر اساس داده‌ها، ۸۱ درصد پسران در مقابل همان نسبت از پدران این ویژگی را مهم و خیلی مهم دانسته‌اند. و ۱/۴ درصد پدران در مقابل ۱۰ درصد پسران این خصیصه را کم اهمیت و کاملاً بی‌اهمیت ارزیابی کرده‌اند. توانایی در فرزندآوری از دیگر ویژگی‌های همسر است. بررسی اهمیت این خصیصه از نظر پدران و پسرانشان را نشان می‌دهد که ۶۸/۶ درصد پسران و ۷۱/۴ درصد پدران این امر را مهم و خیلی مهم می‌دانند و ۱۸ درصد پسران در مقابل ۱۰ درصد پدران این ویژگی را بی‌اهمیت و کاملاً بی‌اهمیت دانسته‌اند. بررسی اهمیت شاغل بودن همسر از نظر پدران و پسرانشان نشان می‌دهد. که ۲۷/۹ درصد پسران و ۴۳/۶ درصد پدران این امر را مهم و خیلی مهم می‌دانند و ۳۸/۵ درصد پسران در مقابل ۲۷/۶ درصد پدران این ویژگی را بی‌اهمیت و کاملاً بی‌اهمیت دانسته‌اند.

موجب بودن از دیگر ویژگی‌های همسر است. ملاحظه می‌گردد که ۷۰/۷ درصد پسران و ۷۴/۳ درصد پدران این امر را مهم و خیلی مهم می‌دانند. و ۱۲ درصد پسران در مقابل ۱۲ درصد

پدران این ویژگی را بی‌اهمیت و کاملاً بی‌اهمیت دانسته‌اند. بررسی اهمیت فامیل نزدیک بودن همسر از نظر پدران و پسرانشان نشان می‌دهد که ۱۲/۱ درصد پسران و ۲۹/۹ درصد پدران این امر را مهم و خیلی مهم می‌دانند و ۶۸/۶ درصد پسران در مقابل ۴۷/۱ درصد پدران این ویژگی را بی‌اهمیت و کاملاً بی‌اهمیت دانسته‌اند.

توصیف متغیرهای مربوط به فرزند آوری

متغیرهای مربوط به فرزند آوری شامل: فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند، تعداد فرزند مناسب برای یک زوج، تعداد فرزند ایدآل پاسخگو، ترجیح جنسی، و اهمیت فرزند آوری است.

آماره‌های مربوط به فاصله سالهای بین ازدواج و تولد اولین فرزند از نظر پدران و پسرانشان نشان می‌دهد که پسران به صورت عمومی ۲/۹ سال فاصله را مطلوب می‌دانند حداقل فاصله را بلافاصله پس از ازدواج و حداکثر آنرا ۷ سال پس از ازدواج می‌دانند. داده‌ها نشان می‌دهد که پدران تمایل دارند که پسرانشان بطور میانگین ۲/۶ سال پس از ازدواج و یا حداکثر تا ۷ سال پس از ازدواج بچه‌دار شوند. این میانگین برای گروه پدران ۱/۹ سال و حداکثر آن ۵ سال پس از ازدواج بوده است. میانگین فاصله سال‌های پس از ازدواج تا تولد اولین فرزند از نظر پسران ۲/۴ سال و برای خود آنها اندکی بیشتر (۲/۸) سال است. در پرسشنامه از پدران و پسران پرسیده شد که چه تعداد فرزند را برای یک زوج مناسب می‌دانند. ملاحظه می‌گردد که ۲/۱ درصد پدران در مقابل ۷ درصد پسران هیچ تمایلی به داشتن فرزند نشان نداده‌اند. از طرف دیگر بیشترین فراوانی مربوط بیه دو فرزند با نظر ۶۲/۱ درصد پسران و ۶۲/۱ درصد پدران است. ملاحظه می‌گردد که با آنکه میانگین تعداد فرزند پدران ۳/۵ است اما مایل‌اند که فرزندانشان بطور متوسط دو فرزند داشته باشند. به عبارت دیگر پدران با باروری کنترل شده موافق‌اند.

از پدران و پسران خواسته شده تا تعداد فرزند مطلوب یک زوج برحسب جنس را اعلام نمایند. داده‌ها نشان می‌دهد که در ترکیب پائین فرزند تمایل پدران برای داشتن دختر و پسر یکسان است. ۷۰/۷ درصد برای داشتن یک پسر در مقابل ۷۲/۹ درصد برای داشتن یک دختر اما در تعداد بالای فرزند تمایل به ترکیب غالب پسر بیشتر است. همانطور که اشاره شد ملاحظه

می‌گردد که تمایل به بی‌فرزندگی از نظر پسران به مراتب بالاتر از نظر پدرانشان است ۱۷/۳ درصد در مورد پسر و ۱۹/۳ درصد در مورد دختر، بیشترین فراوانی مربوط به یک فرزند پسر ۶۲/۱ درصد و یک فرزند دختر ۷۰ درصد است.

بررسی تمایل به ادامه باروری در صورت دختر بودن اولین فرزند تا رسیدن به فرزند پسر نشان می‌دهد که ۴۶/۴ درصد پسران و ۴۱/۴ درصد پدران معتقدند که نباید به باروری ادامه داد. ۲۵ درصد پسران و ۱۷/۹ پدران معتقدند که تا یک فرزند باید ادامه داد. ۱۵/۷ پسران و ۳۰/۷ درصد پدران بر این باورند که تا ۲ فرزند باید به باروری ادامه داد.

از گروه پسران پرسیده شده که چقدر برای آنها مهم است بچه‌دار شوند. در مقابل از پدران خواسته شد تا اعلام کنند که چقدر برایشان مهم است که پسرشان بچه‌دار شود. داده‌های به دست آمده نشان می‌دهد که بچه‌دار شدن از نظر پدران نسبت به نظر پسران از اهمیت بیشتری برخوردار است. ۸۵/۷ درصد پدران گفته‌اند بچه‌دار شدن پسرانشان مهم و خیلی مهم است در حالیکه رقم متناظر در گروه پسران ۷۵ درصد است. ۱۲/۸ درصد پسران در مقابل ۷/۸ درصد پدران بچه‌دار شدن را بی‌اهمیت ارزیابی کرده‌اند.

بررسی اهمیت داشتن فرزند دوم از نظر دو گروه پدران و پسران را نشان می‌دهد که ۴۵ درصد پسران در مقابل ۶۷/۹ درصد پدران داشتن فرزند دوم را مهم و خیلی مهم دانسته‌اند. از طرف دیگر ۴۰/۷ درصد پسران و ۱۹/۳ درصد پدران داشتن فرزند دوم را کم اهمیت دانسته‌اند. بررسی اهمیت داشتن بیش از دو فرزند از نظر دو گروه پدران و پسران نشان می‌دهد که ۱۲/۵ درصد پسران و ۳۰/۸ پدران داشتن بیش از دو فرزند را مهم و خیلی مهم می‌دانند. در حالیکه ۷۴/۳ درصد پسران و ۵۵/۷ درصد پدران داشتن بیش از دو فرزند را کم اهمیت و کاملاً بی‌اهمیت می‌دانند.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌های این پژوهش در سه دسته قرار می‌گیرند. دسته اول شامل فرضیه‌های است که به مقایسه نگرش دو نسل مورد بررسی در خصوص سن ازدواج برمی‌گردد. دسته دوم مقایسه

نگرش‌ها در خصوص همسان همسری و ملاکهای انتخاب همسر را در بر گرفته است و نهایتاً دسته سوم فرصیه‌ها به مقایسه نگرش‌ها در خصوص فرزند آوری می‌پردازد.

فرضیه‌های مربوط به سن ازدواج

برای آزمون این دسته از فرصیه به فراخور فرصیه از آزمون T یا F استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین دیدگاه پدران و پسران در خصوص میانگین سن مناسب ازدواج پسر و دختر در همه پایگاه‌های اقتصادی اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد در حالی که بین نظر پسران در پایگاه‌های اقتصادی اجتماعی در خصوص سن ازدواج پسر و دختر اختلاف معنی‌دار است بین نگرش پدران نیز اختلاف معنی‌دار است. آزمون‌های انجام شده نشان می‌دهد که گرایش دینی تأثیری بر نظر پسران در خصوص میانگین سن ازدواج پسر و دختر ندارد در حالیکه بر حسب نگرش دینی تفاوت‌های میان پدران وجود دارد به گونه‌ای که پدرانی که گرایش‌های دینی قوی‌تری داشته‌اند سنین پایین‌تری را برای ازدواج مناسب می‌دانند. همچنین میزان استفاده از رسانه تأثیری بر نگرش دو گروه در خصوص میانگین سن ازدواج نداشته و تفاوت‌ها در همه سطوح از نظر آماری بی‌معنی است. مقایسه نگرش هر دو گروه در خصوص میانگین سن مناسب ازدواج بر حسب قومیت نشان می‌دهد که تفاوت‌ها در خصوص سن مناسب ازدواج پسر در همه گروه‌های قومی از نظر پسران بی‌معنی است در حالیکه اختلاف نظر در خصوص میانگین سن مناسب ازدواج دختران اختلاف معنی‌دار بوده است. مقایسه نگرش پدران نشان دهند اختلاف معنی‌دار میان نگرش قومیت‌های مختلف و میانگین سن ازدواج پسران و دختران بوده است. نتایج فرصیه‌های مربوط به سن ازدواج در جدول زیر آمده است.

جدول ۱- نتایج آزمون فرضیه‌های مربوط به سن ازدواج

توضیح	آزمون مورد استفاده	خلاصه ای از فرضیه
تفاوت معنی دار نیست	F= 1.78	میانگین سن مناسب ازدواج پسران و پایگاه از نظر پسران
تفاوت معنی دار نیست	F= 1.037	میانگین سن مناسب ازدواج دختر و پایگاه از نظر پسران
تفاوت معنی دار نیست	F=.289	میانگین سن مناسب ازدواج پسران و پایگاه از نظر پدران
تفاوت معنی دار نیست	F =.064	میانگین سن مناسب ازدواج دختر و پایگاه از نظر پدران
در سطح ۰/۰۵ معنی دار است	T = 20.01	مقایسه سن مناسب ازدواج پسر و دختر از نظر پسران
در سطح ۰/۰۱ معنی دار است	T = 98.72	مقایسه سن مناسب ازدواج پسر و دختر از نظر پدران
تفاوت معنی دار نیست	F=.658	میانگین سن مناسب ازدواج پسران و گرایش دینی از نظر پسران
تفاوت معنی دار نیست	F= 1.83	میانگین سن مناسب ازدواج دختر و گرایش دینی از نظر پسران
در سطح ۰/۰۵ معنی دار است	F= 2.75	میانگین سن مناسب ازدواج پسران و گرایش دینی از نظر پدران
در سطح ۰/۰۵ معنی دار است	F= 3.71	میانگین سن مناسب ازدواج دختر و گرایش دینی از نظر پدران
تفاوت معنی دار نیست	F= 1.45	میانگین سن مناسب ازدواج پسران و بهره‌مندی از رسانه از نظر پسران
تفاوت معنی دار نیست	F=.984	میانگین سن مناسب ازدواج دختر و بهره‌مندی از رسانه از نظر پسران
تفاوت معنی دار نیست	F= 2.29	میانگین سن مناسب ازدواج پسران و بهره‌مندی از رسانه از نظر پدران
تفاوت معنی دار نیست	F= 1.85	میانگین سن مناسب ازدواج دختر و بهره‌مندی از رسانه از نظر پدران
در سطح ۰/۰۵ معنی دار است	F= 4.078	میانگین سن مناسب ازدواج پسران و قومیت از نظر پسران
در سطح ۰/۰۵ معنی دار است	F= 2.855	میانگین سن مناسب ازدواج دختر و قومیت از نظر پسران
تفاوت معنی دار نیست	F =.486	میانگین سن مناسب ازدواج پسران و قومیت از نظر پدران
تفاوت معنی دار نیست	F= 1.474	میانگین سن مناسب ازدواج دختر و قومیت از نظر پدران
در سطح ۰/۰۵ معنی دار است	T =3.1	مقایسه نظر پدر و پسر در مورد سن مناسب ازدواج پسران
در سطح ۰/۰۵ معنی دار است	T= -.29	مقایسه نظر پدر و پسر در مورد سن مناسب ازدواج پسران

مقایسه نگرش دو گروه مورد مطالعه در خصوص همسان همسری نشان دهنده اختلاف معنی دار در مورد همه عوامل بوده است. همچنین اختلاف نظر جدی میان پدران و پسران در خصوص نحوه انتخاب همسر وجود دارد به گونه‌ای که پسران معتقدند همسر آینده را باید خود فرد انتخاب کرده و سپس با والدین مشورت نمایند در حالیکه پدران اعتقادی عکس این نظر را دارند و مایل اند انتخاب همسر برای پسر و دختر بر عهده والدین باشد. شاخص ناهمسانی این اختلاف را حدود ۴۳ درصد نشان می‌دهد. مقایسه نگرش پدران و پسران در خصوص معیارهای انتخاب همسر نشان دهنده اختلاف آماری معنی دار است. این اختلاف در خصوص ازدواج خویشاوندی، توانایی همسر در فرزند آوری و اشتغال زن شدید تر است. از نظر پدران فامیل بودن همسر آینده معیار قابل قبولی است در حالیکه پسران علاقه کمتری نسبت به این معیار نشان داده‌اند. همچنین پدران توانایی باروری همسر را یک معیار قلمداد کرده‌اند در حالیکه پسران توجه چندانی به این معیار نداشته‌اند. از سوی دیگر اشتغال همسر برای تعداد بیشتری از پسران یک معیار بوده است؛ در حالیکه پدران به عدم اشتغال زن رای داده‌اند و اشتغال زن را ملاک مهمی ندانسته‌اند. جدول شماره ۲ نتایج آزمون فرضیه‌های مختلف را نشان می‌دهد.

جدول ۲- نتایج آزمون فرضیه‌های مربوط به همسان همسری و ملاک‌های انتخاب

همسر

توضیح	آزمون مورد استفاده	خلاصه‌ای از فرضیه	
در تمامی موارد اختلاف معنی دار است	شاخص ناهمسانی = $۱۳/۳$ آزمون‌های ناپارامتری	تحصیلی	مقایسه نظر پدران و پسران در مورد همسان همسری
	شاخص ناهمسانی = $۴/۳$ آزمون‌های ناپارامتری	اقتصادی	
	شاخص ناهمسانی = $۹/۳$ آزمون‌های ناپارامتری	جغرافیای	
	شاخص ناهمسانی = $۰/۷۱$ آزمون‌های ناپارامتری	قومی	
	شاخص ناهمسانی = $۷/۸$ آزمون‌های ناپارامتری	مذهبی	
	شاخص ناهمسانی = $۴۲/۸$ آزمون‌های ناپارامتری	مقایسه نظر پدران و پسران در مورد نحوه انتخاب همسر	
در تمامی موارد اختلاف معنی دار است	شاخص ناهمسانی = $۷/۱۴$ آزمون‌های ناپارامتری	تحصیلات دانشگاهی	مقایسه نظر پدران و پسران در خصوص ملاک‌های انتخاب همسر
	شاخص ناهمسانی = $۱۲/۱$ آزمون‌های ناپارامتری	تبحر در کارهای منزل	
	شاخص ناهمسانی = $۱۹/۳$ آزمون‌های ناپارامتری	توانایی در فرزند آوری	
	شاخص ناهمسانی = $۲۰/۷$ آزمون‌های ناپارامتری	زیبایی ظاهری	
	شاخص ناهمسانی = $۱۷/۸$ آزمون‌های ناپارامتری	شاغل بودن	
	شاخص ناهمسانی = $۱۵/۷$ آزمون‌های ناپارامتری	دینداری	
	شاخص ناهمسانی = $۱۲/۸$ آزمون‌های ناپارامتری	تمکن مالی	
	شاخص ناهمسانی = $۲۲/۸$ آزمون‌های ناپارامتری	فامیل بودن	

مقایسه نگرش دو نسل در خصوص فرزند آوری این نتایج را در پی داشت: بین نگرش دو نسل در خصوص فاصله سالهای ازدواج تا تولد اولین فرزند تفاوت معنی دار وجود نداشت. در حالیکه دو نسل در خصوص تعداد فرزند ایدآل، تعداد پسر ایدآل و تعداد دختر ایدآل یک زوج اختلاف نظر داشتند. همچنین در خصوص نگرش دو نسل برای داشتن دو فرزند و بیشتر از دو فرزند اختلاف نظر معنی داری وجود داشته است. مقایسه نگرش دو نسل در خصوص ترجیح جنسی اختلاف معنی داری را نشان می دهد به گونه ای که تعداد بیشتری از پدران در مقایسه با پسران معتقدند در صورتی که فرزند اول یک زوج دختر بود باید فرزند آوری را تا رسیدن به فرزند پسر ادامه دهند. جدول زیر نتایج آزمون این فرضیه ها را نشان می دهد.

جدول ۳- نتایج آزمون فرضیه های مربوط به فرزند آوری

توضیح	آزمون	خلاصه ای از فرضیه
معنی دار است	T= 3.3	مقایسه نظر پدران و پسران در مورد فاصله سالهای ازدواج تا تولد اولین فرزند
معنی دار نیست	T= 2.2	مقایسه نظر پدران و پسران در مورد تعداد فرزند ایدآل
معنی دار نیست	T= 98	مقایسه نظر پدران و پسران در مورد تعداد پسر ایدآل
معنی دار نیست	T= 98	مقایسه نظر پدران و پسران در مورد تعداد دختر ایدآل
معنی دار است	T= 1.14	مقایسه نظر پدران و پسران در مورد ادامه باروری در صورت دختر بودن فرزند اول
معنی دار است	شاخص ناهمسانی= ۲۲.۸	مقایسه نظر پدران و پسران در مورد اهمیت داشتن فرزند دوم
معنی دار است	شاخص ناهمسانی= ۱۸.۶	مقایسه نظر پدران و پسران در مورد اهمیت داشتن بیش از دو فرزند

بحث و نتیجه گیری

یکی از کارکردهای مطالعات تطبیقی، بیان و کشف تفاوت یا توافق در ارزش هاست. ارزش ها تصوراتی هستند که افراد از خوب یا بد بودن اشیا، اشخاص یا اندیشه ها دارند. ارزش ها فرهنگ یک جامعه را که بین همه افراد مشترک است منعکس می سازند. شناخت ارزش ها در واقع به معنی باز شناسی بخشی از جامعه است. شناخت ارزش ها به شیوه های مختلفی ممکن

است. در این مطالعه از طریق اظهار نظر پاسخگو در مورد یک رفتار اجتماعی - جمعیتی (ازدواج و فرزند آوری) سعی شده است به ارزش‌ها و آرمانهای فرد پی برد. نگرش در مورد ازدواج و فرزند آوری می‌تواند تا حد زیادی فرهنگ و نظام ارزشی و هنجاری پدران و پسرانشان را منعکس سازد. فرهنگ هر جامعه‌ای الگوهای روابط و مناسبات والدین و فرزندان را تعریف می‌کند. بنابر این طبیعی است که در هر جامعه‌ای هنجارهایی برای انتخاب همسر، تصمیم برای فرزند آوری و... وجود داشته باشد. همان گونه که فرهنگ موجب تمایز جوامع انسانی از همدیگر می‌شود، خرده فرهنگ‌ها نیز موجب تمایزاتی بین گروههای تحت نفوذ خود و گروههای دیگر می‌گردند. در برخی خانواده‌ها ممکن است این هنجار پذیرفته شده باشد که شوهر، رئیس و صاحب اختیار خانواده است و یا این ارزش پذیرفتنی باشد که عشق به عنوان پیش نیاز ازدواج از اهمیت زیادی برخوردار است و پذیرش یا تردید این هنجارها، ارزش‌ها و اعتقادات در گروهها و طبقات اجتماعی مختلف منجر به بروز رفتارهای اجتماعی مختلفی می‌گردد. این تفاوت‌ها نیز عمدتاً ناشی از رفتاری است که خرده فرهنگهای مختلف بر اعضای خود چه مستقیم و چه غیر مستقیم وارد می‌آورند.

همه ما متعلق به فرهنگ جامعه کل می‌باشیم اما در همان حال متعلق به خرده فرهنگ‌های قومی و طبقاتی نیز هستیم. عضویت در گروههای اجتماعی همچون یگ گروه مرجع جهت شکل‌گیری رفتار و نگرش‌هایی خاص در افراد عمل می‌کند.

گروههای مرجع واسطه‌های ادراکی و واکنشی هستند که کارشان تعبیر و تفسیر پیام‌ها است. تفاوت در ارزش‌ها خود محصول تفاوت در فرایند جامعه‌پذیری است. جامعه‌پذیری فرایندی است که در جریان آن افراد مهارتها، آگاهی‌ها و شیوه‌های مناسب را جهت مشارکت در جامعه را به دست می‌آورند. گروههای مرجع نقش مهمی را در فرایند جامعه‌پذیری ایفا می‌کنند. گروههای مرجع، منبعی از ارزش‌ها را برای فرد فراهم می‌کنند تا راهنما و راهبر رفتارشان باشند، خصوصاً در مواقعی که قرار است انتخاب و گزینشی صورت گیرد.

ارزش‌ها اگر چه به لحاظ زمانی خود به خود در معرض تحول اجتماعی قرار می‌گیرند، اما در حالت ایستا نیز از خرده فرهنگ‌های طبقاتی تبعیت می‌کنند. نظام ارزشی دامداران یک کشور ممکن است با نظام ارزشی کشاورزان یا صنعتگران آن کشور متفاوت باشد. نظام ارزشی

طبقات بالا و پایین جامعه نیز از همدیگر متمایز است. در مطالعه حاضر دیدیم که نظام ارزش گروه‌های مختلف اجتماعی در حوزه ازواج و فرزندآوری اعضای آن منعکس گردید. بطوریکه در ملاک‌های مختلف نگرش پسران شدیداً از گرایش دینی و قومیت آنها تاثیر می‌پذیرفت. همچنین نگرش پدران شدیداً تحت تاثیر گرایش دینی بود. بدین معنی که نگرش پسران یا پدران قومیت‌های کرد و لک متفاوت از نگرش افراد متعلق به دیگر قومیت‌ها بود. این امر از تاثیر پذیری شدید نگرش پدران و پسرانشان از خرده فرهنگ‌های قومی آنها حکایت می‌کند. بنابراین یافته‌های این پژوهش تائیدی است بر این نظریه که امروزه نگرش افراد بیش از هر زمان دیگری با مفاهیمی همچون گروه‌های مرجع و فرایند جامعه‌پذیری در آمیخته‌اند و این هر دو با شرایط و موقعیت اقتصادی اجتماعی افراد در ارتباط است.

موضوع دیگری که در اینجا باید به آن پرداخت شکاف نسلی است. اگر چه تضاد بین والدین و فرزندان در طول تاریخ انسان و در همه جوامع وجود داشته است اما ابعاد این تضاد در هیچ زمان دیگری قابل مقایسه با زمان حال نبوده است. در جوامع سنتی دیروز، در چنین جوامعی دنیای که فرزندان در آن پرورش می‌یابند بسیار شبیه به زمان کودکی والدینشان دارد. اما در جوامع در حال تحول کودکان باید در جریان بلوغ خود به چالش‌ها و محرکات جدیدی که در نسل والدینشان هیچ اثری از آنها نبوده پاسخ دهند. در نتیجه اگر والدین و کودکان در محیط‌های فرهنگی نسبتاً متفاوتی زندگی کنند تضاد بین نسلی چهره می‌نماید. در این جوامع، چنین تضادی معمولاً به نفع نسل جوان تمام می‌شود چرا که این تضادها به جوانان اجازه می‌دهد تا خود را از تحت نظارت و ارشاد والدین رها شده احساس کنند و راه و مسیر خود را در جهان جدیدی که نسل پیشین از عهده انطباق با آن بر نیامده بیابد. در حالیکه در بسیاری از فرهنگ‌ها شاهد اطاعت و تسلیم فرزندان در مقابل بزرگسالان می‌باشیم. در بسیاری دیگر از فرهنگ‌ها شاهد طغیان و عصیان جوانان و کشمکش بین نسل‌های پیر و جوان هستیم.

تضاد بین والدین و فرزندان ناشی از تعامل دو دسته عوامل است: یک) عوامل ثابت با عوامل فراگیر و جهان‌شمول تضادها، (دو) عوامل متغییر یا عواملی که از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت می‌کند. عوامل فراگیر عبارتند از: یک) تفاوت سنی والدین و فرزندان، (دو) کاهش میزان جامعه‌پذیری همراه با بالا رفتن سن و سه) اختلافات ذاتی بین پیر و جوان.

هر چند این عوامل فراگیر بطور بالقوه می‌توانند باعث ایجاد تضاد بین والدین و فرزندان گردند، اما اینکه این عوامل منجر به ایجاد این تضاد می‌گردند یا نه بستگی به دخالت عوامل متغیر در یک فرهنگ دارند. این متغیرها عبارتند از:

- سرعت و میزان تحول اجتماعی؛

- سطح پیچیدگی ساخت اجتماعی؛

- درجه یکپارچگی فرهنگی؛

- سرعت تحرک عمودی در ساخت اجتماعی و ارتباط آن با ارزش‌های فرهنگی.

افراد مورد مطالعه در این پژوهش در سطوح مختلف نشانه‌های شکاف نسلی در امر تشکیل خانواده را نشان دادند. این تفاوت‌ها در خصوص سن مناسب ازدواج دختر و پسر فاصله سنی میان زوجین، فاصله سال‌های میان ازدواج و تولد اولین فرزند و درجه اهمیت برخی ملاک‌های همسرگزینی میان پدران به عنوان نسل گذشته و پسرانشان به عنوان نماینده نسل حاضر مشاهده گردید. نکته دیگر اینکه علاوه بر تفاوت‌های گفته شده دو نسل مورد مطالعه در برخی زمینه‌ها هماهنگی داشتند. از آنجمله تعداد فرزند ایدآل را می‌توان نام برد.

قدردانی

این مقاله از طرح پژوهشی درون دانشگاهی با عنوان "بررسی تطبیقی نگرش دو نسل نسبت به تشکیل خانواده" استخراج شده و هزینه آن توسط دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر تأمین گردیده است که بدین وسیله قدردانی می‌گردد.

منابع

- ۱- احمد نیا، شیرین و مهریار، امیر هوشنگ (۱۳۸۴). نگرش و ایدآلهای نوجوانان تهرانی در زمینه همسرگزینی، فرزندآوری و تنظیم خانواده. مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

- ۲- احمدی موحد، محمد (۱۳۸۳). بررسی روند تغییرات شاخص‌های ازدواج و طلاق طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۵. مجموعه مقالات اولین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- ۳- ادیبی، حسین و انصاری، عبدالمعبود (۱۳۵۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: نشر جامعه چاپ اول.
- ۴- آزاد ارمکی، تقی و زند، مهناز و خزایی، طاهره (۱۳۸۳). تاثیر تحولات جمعیتی و اجتماعی در ارمهر گزینی طی سه نسل در خانواده ایرانی. مجموعه مقالات اولین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- ۵- آزاد ارمکی، تقی و غفاری غلامرضا (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی نسلی در ایران. تهران: ناشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ۶- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۷- آقا، هما (۱۳۸۴). بررسی تحولات سن ازدواج و توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج در ایران. مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- ۸- اوپنهایم، ا.ا. (۱۳۶۹). طرحی پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها. ترجمه مرضیه کریم‌نیا، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۹- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحولات فرهنگی در جامعه صنعتی. ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۰- _____ (۱۳۷۷). نوسازی و پسانوسازی. ترجمه علی مرتضویان، فصلنامه ارغنون
- ۱۱- برکوویتز، لونارد (۱۳۷۲). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه محمد حسین فرجاد و عباس محمدی اصل، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ اول.
- ۱۲- بهنام، جمشید (۱۳۸۳). تحولات خانواده. ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: نشر ماهی.
- ۱۳- بیات، بهرام (۱۳۸۲). تعارض ارزش‌های نوجوانان با ارزش‌های جامعه و والدین. تهران: ناشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

- ۱۴- پناهی، محمد حسین (۱۳۸۰). فاصله نسلی و اختلاف خانوادگی و چگونگی بر خورد با آن، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی. تهران دانشگاه الزهراء، سال یازدهم، شماره ۳۷-۳۸.
- ۱۵- پیرحسینلو، علی (۱۳۸۱). اینگلهارت چه می گوید: فهم تحولات فرهنگی بر اساس تفاوت نسلها، مجله آفتاب، شماره ۲۰.
- ۱۶- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۱). نظریه های جامعه شناسی. تهران: سمت.
- ۱۷- توکلی، مهناز (۱۳۷۸). بررسی نظام ارزش های دو نسل دختران (نسل انقلاب) و مادران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- ۱۸- خزاعی، طاهره (۱۳۷۵). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۹- درودی، آهی ناهید (۱۳۸۴). بررسی وضعیت ازدواج جوانان با استفاده از جداول خالص زناشویی. مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- ۲۰- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۳). آناتومی جامعه مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۲۱- روشبلا، آن ماری و نیون، ادیل (۱۳۷۷). روانشناسی اجتماعی. ترجمه: سید محمد دادگران، تهران: نشر
- ۲۲- ساروخانی، باقر (۱۳۸۴). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش. چاپ هفتم.
- ۲۳- سرایی، حسن (۱۳۷۵). مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق. تهران: انتشارات سمت.
- ۲۴- _____ (۱۳۸۲). روش های مقدماتی تحلیل توزیع و ترکیب جمعیت با تاکید بر ترکیب سنی جمعیت. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲۵- _____ (۱۳۸۵). تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران. نامه انجمن جمعیت شناسی. سال یکم، شماره دو.
- ۲۶- سیگالن، مارتین (۱۳۷۰). جامعه شناسی تاریخی خانواده. ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.

- ۲۷- صانعی، پرویز (۱۳۷۲). جامعه شناسی ارزش‌ها. تهران: انتشارات رجا.
- ۲۸- فولادی، ماری لادیه (۱۳۸۴). تحول جمعیتی-اجتماعی خانواده و تاثیر آن بر رفتار اجتماعی جوانان. مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه
- ۲۹- کریمی، یوسف (۱۳۷۸). روانشناسی اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۳۰- کوزر، لوئیس (۱۳۶۸). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ۳۱- کیوی، ریمون و دیگران (۱۳۷۰). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه دکتر عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- ۳۲- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخص در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- ۳۳- مانهایم، کارل (۱۳۸۰). ایدئولوژی و اتویا. ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: سمت.
- ۳۴- محسنی، منوچهر و پورضا انور، ابوالقاسم (۱۳۸۲). ازدواج و خانواده در ایران. تهران: انتشارات آرون.
- ۳۵- محسنی، منوچهر (۱۳۷۵). مقدمات جامعه شناسی. تهران: نشر دورا، چاپ هجدهم.
- ۳۶- معید فر، سعید (۱۳۸۴). شکاف نسلی یا گسست فرهنگی نسلی. فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۲۴.
- ۳۷- مهدوی، محمد صادق (۱۳۷۷). بررسی تطبیقی تغییرات ازدوج. تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهبشتی
- ۳۸- نعیمی، حسین (۱۳۸۱). نهاد خانواده و تفاوت آن بین دو نسل. فرهنگ توس، سال ششم شماره ۱۹.
- ۳۹- هومن، حیدر علی (۱۳۷۰). استنباط آماری در پژوهش رفتاری. تهران: چاپخانه دیبا.
- ۴۰- هیوز، استوارت (۱۳۶۹). آگهی و جامعه. ترجمه عزت ا... فولادوند، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ۴۱- یوسفی، نریمان (۱۳۸۳). شکاف بین نسله‌ها (بررسی تجربی و نظری). تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.

- 42- Bernard,. (1934). Factors in the distribution of success in marriage. American Journal of sociology, 40, 5
- 43- Boman, Henry.A (1970), Marriage for moderns. New York, mc graw-hill company
- 44- Caroll, Thomas.(1990). Cultural relativism, Education and urban society. vol22 Issue4 Aug
- 45- Elsa,lopez(2003). Family formation and reproduction in Buenos Aires, Arjantina
- 46- Feather,N (1975). values in educational society. free press, New York
- 47- Givens,Benjamin.p and Hirschman,charles(1994). Modernization and consanguineous in Iran,journal of marriag and family. Vol.56 issue.
- 48- Hollingshead, A.B. (1951). Age relationship and marriage. Amrican sociological Reviwe, 4, 492-499.
- 49- -huinink,Johannes(2004). Family formation in times of social and economic change:An analysis of the 1971 est german cohort.
- 50- Kennedy, R.J.R. (1943). Premarital residential propinquity and ethnic endogamy. American Journal of Sociology, 48, 580-584.
- 51- Kuper, Adam (1985). The social science encyclopedia London. routeledge and kegan paul
- 52- Leslie, Grerad.(1973). The family in social context. oxord university press.
- 53- Lesthaeghe, Ron(1983). A century of demographic and cultural change in Western Europe: An exploration of underlying dimensions. Population and Development Review, 9: 411-435.
- 54- Pressat, Roland (1985). The Dictionary of Demography. New York, NY 10016, USA
- 55- Shcuman.h.snd scutt.J(1989). Generation and collective memories. American sociological review, vol.54
- 56- Shrestha,Devendra.(2001). Social and economic change and family formation.
- 57- Udry,J.ricard (1966). The social context of marriage. J.B. lippincolt company, New York
- 58- Van de kaa, Dirk J. (1987): Europe's second demographic transition. Population Bulletin Vol 42, No. 1, March, Washington.
- 59- Winch, R.F. (1955). The theory of complementary needs in mate selection. Amrican sociological Reviwe, 20, 552-555.